

تأمل بر جلال محبت در جمعه مقدس



عیسی برای همه ی خلقت میمیرد، برای گناهان تمام بشریت. عیسی برای گناهان من بر روی صلیب میمیرد، و برای آنکسی که به من بدی کرده و همچنان بدی میکند، برای زخم های ما از اینکه مورد محبت واقع نگردیده ایم، و یا آنقدر کدورت داریم که نتوانسته ایم محبت کافی بنماییم، برای درد های ما و درد های همه ی انسانها. اکنون عیسی همه ی این کمبود ها، بدی ها، گناهان آنها را بر بالای صلیب حمل می کند، « لکن او غمهای ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم. (اشعیا ۵۳: ۴-۵) .

جمعه مقدس روزی است که می خواهیم هر چه زودتر تمام شود به روز عید برسیم، در درون ما این تفکر همیشه هست، فردای آن روز شنبه است و سپس یکشنبه روز عید و راحت خواهیم بود، جشن خواهیم گرفت بر عکس باید این روز وقت بگذاریم برای تأمل در مقابل راز صلیب مسیح، بدانیم تا مرگ نجات بخش مسیح بر صلیب را نه فقط به عنوان راه راستی، بلکه به عنوان هدیه ای گرانبها از محبت خدا و رستگاری برای همه دریابیم. فدیة مسیح بر روی صلیب، حمل همه دردها و بدی های انسان است، بشریت که زخم گناه بر خود دارد توسط محبت بی کران خداوند متغییر شده تبدیل به بشریت تازه متولد شده میگردد .

در انجیل یوحنا میخوانیم چطور سرباز ها پس از به صلیب کشیدن عیسی لباس او را به چهار قسمت بین خود تقسیم میکنند، ولی خرقه او که یکسان بوده تقسیم نمیکنند و قرعه کشی میکنند.

برخی از پدران کلیسا این خرقه را به عنوان نشانه ای از اتحاد تفسیر میکنند این تفسیر را بر حسب فدیة مسیح برای همه بشریت تأمل کنیم. در مقابل این همه شرارت و بدی، خشونت و درد و رنج و مرگ، هیچ چیز قادر

نخواهد بود ما را از این رابطه به محبت خدا که مسیح بر صلیب خواست آن را اجرا کند و به ما هدیه کند، دور نگه دارد.

بدترین چیز که میتوانست اتفاق افتد، در روز جمعه مقدس با مرگ مسیح اتفاق افتاد ولی نهایت هر چیز نبود

مرگ مسیح بر روی صلیب همه ترس و نگرانی ها که میتواند در زندگی برای ما اتفاق افتد را بر خود میگیرد تا به ما بگوید: **هراسان مباش پایان هر چیز نیست.**

در زندگی میتوانیم نگرانیهای زیادی داشته باشیم، تنهایی، بیماری، شکست، مرگ یک عزیز مان و متاسفانه اتفاقی است که افتاده است و میافتد. همه این بدی ها، نگرانی ها را که اتفاق میافتند، مسیح بر بالای صلیب تجربه نموده است، در حالی که زندگی آنجا به پایان نرسید بلکه، یکی دیگر فراتر از مرگ آغاز گردید. مسیح بر بالای صلیب به ما کمک میکند تا این مشکلات را تحمل نماییم بدون اینکه زیر سنگینی آنها له شویم. مغلوب گردیم، بلکه در او ما نیز بتوانیم آنها را پشت سر گذاریم و بر آنها پیروز گردیم.

امیدواری در همه چیز

محبت خدا همه جا ما را یاری میدهد و به ما میرسد، حتی بالای صلیب، تا به ما و هر انسان زندگی بخشد. همچنین تجربه راهزن نیکو که بالای صلیب نمیتواند بدی را که در گذشته مرتکب شده است جبران نماید، ولی با وجود این خود را به محبت مسیح میسپارد و به رستگاری امیدوار میشود. «**امروز با من در بهشت خواهی بود**» (لوقا ۲۳: ۴۳).

رستگاری مسیح، فقط زمانی که خوب هستیم در زندگی ما آغاز نمیگردد، بلکه تنها زمانی که خود را در آغوش او رها نماییم و در او اعتماد داشته باشیم، زمانی که تجربه نماییم که تنها محبت رایگان او که بر بالای صلیب آشکار گردید، میتواند به ما زندگی تازه ببخشد. ملاقات غیر منتظره مسیح است که هر گونه امکان زندگی را برای ما مهیا میسازد و امید را در قلب ما زنده میکند. و رستاخیز هر شخص که زندگی را زمانی که به نظر همه چیز مرده باشد، در ملاقات و اعتماد به محبت مسیح مصلوب شده آغاز میگردد.

آنانی که صلیب را به عنوان رسوایی و حماقت میدانند، هر کاری کردند تا صلیب را مایه خجالت مسیحیان کنند. اگر فکر کنیم که امروز همچنان مایه خجالت ما نمیشود سخت در اشتباه هستیم.

مسیحیان اولیه که در مقابل صلیب دعا میخواندند میدانستند، که تنها وجود آن مایه خجالت اشخاص (غیر مسیحی) بود، برای همین منظور، مکان های اولیه برای دعا، همراه با صلیب، همیشه جایی میشد برای پنهان نمودن، پشت پرده. صلیب و همه معنی آن همیشه سنگ رسوایی بوده و خواهد بود، بین هر که بخواهد به رستگاری برسد هر که نخواهد، بین مسیحیان و غیر مسیحیان، بین برادران مسیح و دشمنان او. همیشه در مقابل صلیب یک تصمیم هست که باید گرفته شود، آیا این دلیلی برای برچیدن یا پاک کردن صلیب در این دنیای معاصر نیست؟

میتوانیم زیاد از الهیات حرف بزنیم، حتی با هر گونه توجیه و صحبت، ولی باید آگاه باشیم که در مقابل صلیب هر چیز به خود رنگ دیگری میگیرد، همه ی زیبای های خدا به نظر تاریک میرسند.

جمعه مقدس، یک روز بخصوص است، اعمالی که انجام میشوند با نماز یکشنبه ها فرق دارد، همه در مقابل صلیب و قربانگاه سکوت اختیار می کنند، قربانی مقدس تقدیس نمی گردد، ایمان داران به صلیب احترام ادا کرده آن را میبوسند.

جمعه مقدس مسیحیان روزه میگیرند، به نظر یک روز عزاداری است، ساعت ۳ بعدازظهر، ساعتی است که مرگ مسیح بر بالای صلیب یادآوری میشود. بعد از ساعت مرگ کلیسا سیاه پوش و خالی از قربانی مقدس می شود، قربانگاه خالی از هرگونه پوشش میشود. همه چیز در سکوت فرو میرود تا شب روز بعد.

هر کس این فرصت را داشته تا از سرزمین مقدس دیدن کند، می داند که کلیسای باغ جتسیمانی نسبت به سایر کلیساها تاریک تر است، این تاریک بودن آن معنی عمیق جمعه مقدس را می رساند.

هنگام بوسیدن صلیب، بر پسر خدا که برای گناهان ما مرد تأمل نمائیم، کسی که مانند همه ی ما در زندگی مورد آزمایش قرار گرفت، یا بهتر باید گفت آزمایش های بسیار سخت، خشونت نا عادلانه بر یک بیگناه را متحمل شد. کسی که با اشک و رنج فراوان از پدر درخواست نمود، ولی همچنان در اعتماد به او برقرار ماند و خود را به وی سپرد و همه ی آزار و اذیت و درد و رنج را با همان قدرت دریافت شده از خدای پدر تحمل نمود.

زمانی که به صلیب نزدیک میشویم، بر روح القدس تأمل می نمائیم، به رابطه بین محبت پدر و پسر، محبتی که همه جهانیان را به خود جذب می نماید. محبتی که نیکدیموس را در دل تاریک شب به عیسی نزدیک نمود، محبتی که پطرس که او را انکار نمود، بار دیگر به عیسی نزدیک نمود و هویت واقعی بدو برگردانده شده ماموریت مهم بر عهده وی سپرده میشود. محبتی که امروز نیز گام های بسیاری از انسانها که در جستجوی هویت واقعی خویش هستند، را استوار می گرداند، رابطه محبتی که بر هر ترس و هراس، بر هر تاریک شب پیروز میشود و هستی را به باغی تبدیل می کند که همه چیز میتواند آغازی دوباره یابد.

وقتی به صلیب نزدیک میشویم سر خود را به زیر نافکنیم، سعی کنیم نگاه خود را به بالا اندازیم به بی نهایت، تا پدری که خادم خود وقتی همه او را خائن، دیو زده، دروغ گو خطاب میکردند را جلال می دهد، تأمل کنیم. با تأمل بر این راز پدر و پسر و روح القدس، به این آگاهی خواهیم رسید که چقدر در اشتباه هستیم و ضعیف و اگر در خدای پدر اعتماد نداشته باشیم، بر حسب گناهان مورد محاکمه قرار خواهیم گرفت. . خواهیم فهمید که پدر در جستجوی ما است تا ما را در آغوش خود بفشارد و زندگی تازه ای به ما ببخشد، رستگاری را به واسطه همین خادم خود بر روی صلیب به ما عطا می نماید.

ما این مراسم را همانند مسیح در باغ زیتون، در ترس از مرگ سجده زده بر زمین آغاز نمودیم، چطور میتوانیم در مقابل چنین کسی که تا حد مرگ ما را دوست دارد بی تفاوت بمانیم؟ همه ما همانطور که اشعیا میفرماید: « لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم. و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب

گناهان ما کوفته گردید. و تأدیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بروی نهاد. او مظلوم شد اما تواضع نموده، دهان خود را نگشود. مثل بره‌ای که برای ذبح می‌برند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است همچنان دهان خود را نگشود» (۵۳: ۴-۷)

این است دلیل ما برای سجده کردن، عیسی بره قربانی است که همه گناهان ما را بر دوش کشید، که بر بدی پیروز شد حتی در این راه جان خود را نیز فدا نمود. عیسی نمیخواهد بمیرد « پدر اگر امکان دارد این جام را از من دور کن » خواست پدر چیست؟ عیسی به خوبی از خواست پدر آگاه است « خواست پدر من این است که هیچ کس از دست نرود » خواست پدر این بود تا شریر بر ما غلبه نکند و ما را نباعد. عیسی مرگ را پذیرفت تا ما گرفتار آن نشویم. عیسی نمیخواست ما را از دست دهد برای همین منظور تا نفس آخر مبارزه نمود تا هیچ کس در اعماق مرگ فرو نرود.

خدمت گذار شما کشیش هرمز